

# دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی و فلسفهٔ هنر

ویراستهٔ پل ادواردز / دونالد ام بورچرت

بوشتهٔ مورو سی بردسلی / پل گایر / حیفر روبینسون / بوئل کرول و  
نامقالاتی از هابری کربن / سید حسین نصر / ژان لوئیس میکون و

ترجمه، تألیف، و تدوین انشاءالله رحمتی



## فهرست مطالب

### دفتر اول: مسائل و تاریخ

۱۵	حیفر رویسون	۱ مسائل ریایی شاسی
۳۶	موروسی روسلی	۲ تاریخ ریایی شاسی
۸۹	پل گار	۳ تاریخ ریایی شاسی (پیوست)

### دفتر دوم: ریایی شاسی

۱۱۵	حروم استالیتیر	۴ ریایی
۱۲۷	حروم استالیتیر	۵ رشتی
۱۳۷	کریک ای پیلو	۶ امر والا
۱۴۱	مارسا مولدر ایتون	۷ تحربه ریایی شاسانه
۱۴۹	تد کوئین	۸ حکم / داوری ریایی شاسانه
۱۵۷	آلن اچ گلدمن	۹ کیفیات ریایی شاسانه

### دفتر سوم: فلسفه هنر

۱۶۹	بونل کرول	۱۰ تعاریف هنر
۱۸۵	روبرت استیکر	۱۱ و خودشناسی هنر
۱۹۹	گوردون گِرهام	۱۲ ارزش در هنر
۲۱۱	حان بندر	۱۳ بیان در هنر
۲۲۳	تد کوئین	۱۴ صورت‌گرایی در هنر
۲۲۹	دیوید هیلر	۱۵ نارمایی در هنر
۲۴۵	بونل کرول	۱۶ حقیقت در هنر
۲۵۷	بونل کرول	۱۷ تفسیر هنر
۲۷۱	حرولد لویسون	۱۸ اصالت در هنر
۲۷۵	دیوید دیویس	۱۹ سبک و ژانر در هنر
۲۸۳	استفن دیویس	۲۰ احراء در هنر
۲۹۱	پیتر کیوی	۲۱ فلسفه موسیقی

۳۰۳	ماری اسمیت	۲۲ فلسفه فیلم
۳۱۷	روبرت استیکر	۲۳ فلسفه ادبیات
۳۳۷	الکس نیل	۲۴ تراژدی
۳۴۷	ایوآف کیتای	۲۵ استعاره
۳۵۳	دیوید هیلر	۲۶. استعاره (پیوست)
۳۵۷	آنه دانلیو ایتون	۲۷ ریبابی شناسی و نقادی فمیستی
۳۶۵	مایکل تار	۲۸ هنر و اخلاق

### دفتر چهارم: حکمت هنر اسلامی

۳۷۷	ژان- لوئیس میکون	۲۹ قرآن و هنر اسلامی
۳۹۵	سید حسین نصر	۳۰ ریبابی شناسی اسلامی
۴۱۱	دورا ال نلک	۳۱ ریبابی شناسی در فلسفه اسلامی
۴۲۱	هبری کرس	۳۲ معنای موسیقایی عرفان ایرانی
۴۲۷	اشاءالله رحمتی	۳۳ پدیدارشناسی عشق و ریبابی
۴۴۵	اشاءالله رحمتی	۳۴ اریلت عشق از دیدگاه روربها شیرازی
۴۵۷	اشاءالله رحمتی	۳۵ تأیث حلاق

# ۱

## مسائل زیبایی‌شناسی

حیفر رویسون

رشته فلسفی زیبایی‌شناسی به مسایل مفهومی ناشی از بررسی اسقادی هر و امر زیبایی‌شناسانه، می‌پردازد. مورو بردسلی عنوان فرعی کتاب خویش در سال ۱۹۵۸ پیرامون زیبایی‌شناسی عام را **مسائل موحود در فلسفه نقد**<sup>۱</sup> قرار داد و بدین وسیله تلویحاً می‌خواست بگوید که زیبایی‌شناسی ناظر است به معاهیم فلسفی‌ای که - عالماً نه طور سرسری - مورد استعاده منتقدان قرار می‌گیرند، رمانی که می‌گوید یک اثر هری مانند یک نقاشی **ریا** است یا دارای ارزش **زیبایی‌شناسانه** است، آن اثر موضوعی / هستارمایه‌ای را **نارمایی می‌کند**، دارای یک **صورت حوش** - ترکیب است، نه **سک** خاصی است، و **بیانگر** عاطفه‌ای است ولی زیبایی‌شناسی افرون بر این به‌طور وسیع‌تر به زیبایی‌شناسی طبیعت (Budd 1996, Carlson 2000) و ناها (Ross 1998) و به درک و دریافت زیبایی‌شناسانه اشاء و اعمال در زندگی روزمره (Dewey 1934) نیز می‌پردازد و زیبایی‌شناسی فلسفی، حتی رمانی که بر هرها متمرکز شود، به مسایل فلسفی‌ای می‌پردازد که نه فقط از منظر منتقد هری، بلکه از منظر هرمد نیز، مطرح می‌شوند. بدین سان حلقیت، بیان، نارمایی، صورت، و سک، مسابلی است که می‌تواند نه فقط از منظر ناظر بلکه از منظر هرمد نیز موضوع بحث قرار بگیرد. نه علاوه، «فلسفه نقد»<sup>۲</sup>، حق گسترده‌گی مسایل مورد بحث در زیبایی‌شناسی فلسفی امروز را ادا نمی‌کند. برخی از دشوارترین مباحث در زیبایی‌شناسی مستقیماً با مسایل موحود در فلسفه عام، مرتبط است. ارزش زیبایی‌شناسانه چیست؟ آیا هرها تأمین‌کننده معرفت‌اند؟ آیا گونه خاصی از تجربه زیبایی‌شناسانه یا ادراک زیبایی‌شناسانه وجود دارد؟

---

1 *Problem in the Philosophy of Criticism*

2 *philosophy of criticism*

بیشتر پرسش‌هایی که در نظریه‌پردازی درباره قالب‌های هنری خاص - فلسفه ادبیات، نظریه هنرهای تحسیمی، فلسفه موسیقی، فلسفه فیلم، هنرهای ریست محیطی، و مانند آن - مطرح می‌شود، پرسش‌های عامی است که ملازماتی برای دیگر قالب‌های هنری سیر دارد اما، برخی نظریه‌پردازان معتقدند که هریک از هنرها مجموعه منحصر به فردی از مسائل فلسفی محتص به خویش را به همراه دارند (Kivy, 1997). برای مثال، مسأله تجربه و ارزش موسیقی محص<sup>۱</sup>، مشانه صریحی در هیچ یک از دیگر هنرها، از جمله دیگر هنرهای انتراعی، ندارد (Kivy, 1990). اصالت<sup>۲</sup>، مسأله خاصی در هنرهای اجرایی<sup>۳</sup> مانند رقص و موسیقی است ولی عمدتاً، پرسش‌های مطرح شده در فلسفه هنر کارست عامی در عرصه [عموم] هنرها، دارند برای مثال، مسأله ماهیت شخصیت‌های خیالی را معمولاً مسأله‌ای درباره ادبیات دانسته‌اند، ولی آثار نارماینه تحسیمی بیرونی افراد، اشیاء، و حوادث خیالی است (Walton, 1990) همچنین این پرسش که چرا افراد در مقام خیال با شخصیت‌های تحلیلی ارتباط عاطفی پیدا می‌کند، ممکن است پرسشی محتص به فیلم‌ها و رمان‌ها به نظر برسد (Lamarque 1996, Feagin 1996, Currie 1990, Carroll 1990). ولی در خصوص خیال‌پردازی‌ها در آثار هنر تحسیمی بیرونی همانقدر مطرح است نه علاوه، این پرسش که چرا افراد از ترازدی‌ها محظوظ می‌شوند، محتص به ترازدی‌ها نیست بلکه پرسشی است از حس همان پرسش که چرا افراد به موسیقی حرن‌آلود اگر محروشان کند، گوش می‌دهد (Levinson 1990, Davies 1994).

در این بررسی محتصر ابتدا به امر ریبابی‌شناسانه به طور کلی و سپس به مسائل محتص به هنرها، می‌پردازم بحث را با پاره‌ای اشارات کلی درباره اینکه چگونه ریبابی‌شناسی با پرسش‌های عام‌تر درباره معرفت، عاطفه، و ارزش، ارتباط می‌یابد به پایان می‌برم تلاشی بیرونی خواهم داشت برای اشاره به اینکه چگونه باید مهم‌ترین مفاهیم ریبابی‌شناسی، را مهم تلقی کرد گرایش فلسفه اواخر سده بیستم - به ویژه فلسفه تحلیلی - معظوف به این بوده است که مسائل ریبابی‌شناسی را مسائلی نداند که بی‌رمان‌اند و پاسخ‌های صحیحی دارند که درباره همه آثار هنری و تحارب ریبابی‌شناسانه، صرف‌نظر از اینکه در کجا یا در چه زمانی واقع شوند، صدق می‌کند ولی اگر کسی با نگاهی به آن رمیه تاریخی که مسائل خاص ریبابی‌شناسی از دل آن پدیدار شده است، نه ریبابی‌شناسی پر دارد، نه فقط از ماهیت آن مسائل، بلکه از چگونگی و چرایی شیوه‌های مختلف تصویر و طراح‌ی‌شان بیرون درک بهتری خواهد داشت

1 absolute music  
3 performing arts

2 authenticity

## امر ریبابی‌شناسانه

قلمرو امر ریبابی‌شناسانه چیست؟ آیا باید آن را گونه خاصی از لذت، یا نه بیان کلی‌تر گونه خاصی از تجربه، گونه خاصی از حکم، گونه خاصی از رویکرد به جهان، یا گونه خاصی از کیفیت دانست؟ همه این گریه‌ها، دنبال شده است اصطلاح «aesthetics / ریبابی‌شناسی»، سرگرفته از *aesthesis* یونانی به معنای «ادراک حسی» است الکساندر بومگارتن<sup>۱</sup>، فیلسوف عقل‌گرای آلمانی در سال ۱۷۳۵، این اصطلاح را وضع کرد و آن را به معنای علم «ادراک حسی»<sup>۲</sup>، با این هدف که در مقابل منطق، علم «عقل»<sup>۳</sup> قرار بگیرد، لحاظ کرد (Baumgarten 1954)، و از آن رمان به بعد اصطلاح "aesthetic" دلالت صمی خود را چونان واژه‌ای که دارای ارتباطی ذاتی با امر قابل تشخیص از راه ادراک حسی است، حفظ کرد

اگر چه رمیه ریبابی‌شناسی نام و حردپذیری خویش را مرهون عقل‌گرایی آلمانی است، این تجربه‌گرایان بریتانیایی بودند که ریبابی‌شناسی را در قامت یک رشته فلسفی تثبیت و برنامه تحولات بعدی آن را طراحی کردند مسأله‌ای که متفکران سده هیجدهم عمدتاً در ریبابی‌شناسی نه راه انداختند، سرشت لذت ریبابی‌شناسانه، و سرشت حکم ریبابی‌شناسانه، حکم «دوق»<sup>۴</sup> بود اگر با است که ریبابی‌شناسی یک رشته فلسفی حدی باشد، یقیناً باید اصولی باشد که احکام ریبابی‌شناسانه را توحیه کند، و آنها را از صرف اظهار پسند و ناپسند، متمایز سازد در عین حال، تجربه‌گرایان مسلّم فرص کردند که احکام ریبابی‌شناسانه به احساس سونژکتیو لذت وابسته‌اند در نظر هاجس (۱۹۷۳)، هیوم، و احلاف آنان، حکم ریبابی‌شناسانه اولاً وبالذات حکم به ریا بودن چیزی است بنابراین مشکل این بود که معلوم شود که آیا گونه خاصی از لذت که واکنش خاصی به ریبابی‌شناسی باشد یا گونه خاصی از حکم که به هنگام داوری آدمی درباره یک شیء ربا صادر می‌شود، موجود است

## ریبابی

مفهوم ریبابی، مرده ریگ فلسفه ناستان و قرون وسطی بود در نظر افلاطون (۱۹۵۳)، فقط مثال ریبابی<sup>۵</sup>، واقعاً ریا است، برآ هر چیز دیگری فقط از یک جهت یا در یک رمان، و نه از جهت دیگر یا در رمان دیگر، یا در مقایسه با یک چیز و نه چیز دیگر، ریا است اسان‌ها و اشیاء ریا، فقط می‌تواند به مثال ریبابی نزدیک شود متفکران قرون وسطی، تحت تأثیر افلاطون بوافلاطونی، ریبابی، حبر، و دیگر کمالات را نه اکیدترس معنای کلمه فقط در خصوص سرتترین

1 Alexander Baumgarten

2 science of "sensory perception"

3 science of "intellect"

4 judgment of "tastes"

5 Idea/ Form of Beauty